

◇ فصلنامه علمی پژوهشی زن و فرهنگ

سال هشتم، شماره ۳۱، بهار ۱۳۹۶

صفحات: ۱۱۴-۱۰۳

تاریخ وصول: ۱۳۹۵/۱۲/۵ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۶/۲/۶

سیمای زن در شعر معاصر مصر

عبدالرضا عطاشی*

مژده مرشدی**

چکیده

هدف این پژوهش، آشنایی با ادبیات معاصر عرب در خصوص زن بر اساس اشعار حافظ ابراهیم که از شعرای معاصر مصر است، و دیدگاه وی در خصوص آزادی زنان و نقش آنها در تمامی عرصه های سیاست و علم و تربیت بود. روش این پژوهش نقلی، تحلیلی یافته ها است. نتایج نشان داد که ایشان روشنگرانه در اشعارشان، در مقابل خط فکری که معتقد به آزادی بی قید و بند برای زنان بود، ایستادگی نموده و آزادی زن را در حدود اسلام می داند. هم چنین این شاعر نئوکلاسیک معتقد به نقش زن در تمامی عرصه های سیاست و علم تربیت می باشد.

کلید واژگان: سیمای زن، شعر، ادبیات معاصر، مصر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی

* استادیار گروه زبان و ادبیات عرب، واحد آبادان، دانشگاه آزاد اسلامی، آبادان، ایران.

(نویسنده مسئول، ایمیل: Abdolrezaattashi2014@gmail.com)

** کارشناس ارشد زبان و ادبیات عرب، دبیر درس عربی دبیرستانهای آموزش و پرورش ماهشهر.

مقدمه

به نظر دین و شریعت حضور زن در جامعه نه تنها درست و فاقد اشکال می باشد بلکه با پایبندی به عفاف و رعایت حدود شرع از مقتضیات زمان می باشد. بر این اساس است که زن همواره مورد توجه ادیان الهی و مکاتب ادبی قرار گرفته است. شاعر معاصر حافظ ابراهیم عقاید دوره جاهلی و عقاید غربی را در خصوص زن نمی پذیرد، حافظ ابراهیم در این باره، نظری اندیشمندانه و حکیمانه دارد. البته نظر اسلام و بزرگان دین ما نیز همین است. از آن جایی که قدرت و قوای جسمی زن، به اندازه ی قوای جسمی و بدنی مرد نیست، فعالیت زن در جامعه باید به اندازه توان و در شأن او باشد. چه در غیر این صورت، پیامدهای زیان آوری، به دنبال خواهد داشت. برخی این مسأله را به گونه ای دیگر تصور کرده اند و گمان می کنند که هدف از مطرح نمودن چنین نظری، سلب مشارکت از همکاری زن در امور جامعه است. اسلام مخالف حبس شدن زن در خانه است. آزادی، از جمله حقوقی است که خداوند آن را برای تمام انسانها قرار داده است و در این زمینه، تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده است و زن را امر نمود که خود را از نامحرمان بیوشاند تا با پوشش خود، فرصت مشارکت را در عرصه فعالیت های اجتماعی آزادی بیشتری پیدا نمایند. البته موضوع حجاب، تأییدی است بر عدم مخالفت اسلام با آزادی زن. شمرده می شود طبق گفته ی «علامه طباطبایی»، تنها محدودیتی که اسلام برای زن قائل شده، در سه مورد است: حکومت، قضاوت و جهاد (طباطبایی؛ ترجمه موسوی همدانی؛ ۱۳۶۱). زن از بدو خلقت تا هم اکنون همانگونه که مورد نظر ادیان آسمانی بوده است مورد نظر مکاتب بشری قرار گرفته است. در آخرین کتب آسمانی خداوند در جاهای متعددی در خصوص شأن و منزلت زن آیاتی را نازل نموده اند زیرا سنگ زیر بنای تربیت در خانواده توسط زن پی ریزی می شود. نقش زن به عنوان موجودی حساس و لطیف پیوسته مورد تراوش افکار اندیشمندان و موضوع شعر شاعران قرار گرفته است. در عصر معاصر انجام پژوهشهایی با مشرب ادبی و دینی و فلسفی و... در خصوص زن ضروری به نظر می رسد. زیرا که تربیت نونهالان توسط مادران شکل می گیرد. سرانجام تربیتی که دارای ابعاد مختلف اقتصادی و دینی و اخلاقی و رفتاری در جامعه های بشری شکل می گیرد. بر این اساس انجام پژوهشهای مختلف در خصوص زن مورد توجه ملتها قرار گرفته است از این رو آشنایی با دیدگاه ادبیات معاصر عرب در خصوص زن یکی از اهداف این پژوهش شمرده می شود. بر این اساس در تحقیق حاضر تلاش می شود به این سوال که؛ حافظ ابراهیم به چگونه آزادی برای زنان اعتقاد دارد؟ و اینکه حافظ ابراهیم نقش زن در تربیت فرزندان و هدایت جامعه چگونه می داند؟ وی در خصوص نقش زنان در عرصه سیاست چگونه دیدگاهی دارد؟ پاسخ علمی داده شود.

حافظ ابراهیم

محمد حافظ از پدری مصری به نام ابراهیم و مادری به نام هدی ترک تبار به دنیا آمد محمد حافظ ابراهیم در یک کشتی مسکونی (ذهبیة) در ساحل رود نیل کنار شهر (دیروط) به دنیا آمد، خانواده ی ایشان در آن کشتی زندگی می نمودند و به دلیل تولد ایشان در داخل کشتی به "شاعر النيل" معروف شد؛ البته در سال تولدشان اختلاف نظر وجود دارد ولی قول مشهور تاریخ تولدشان را در سال ۱۸۷۲ میلادی تعیین می نمایند (سند الجندی، بی تا). حافظ در کودکی یعنی در سن ۴ سالگی، پدرش را در "دیروط" از دست داد و به همین خاطر خانواده اش دچار مشکلات اقتصادی شدیدی شد. از این جهت مادرش تصمیم گرفت به قاهره برود و

با برادرش "محمد نیازی" زندگی کند (محمود عبدالله، بی تا). در قاهره، بعد از مرگ پدرش زندگی جدیدی را آغاز کرد و تحت سرپرستی دایی اش در آمد. دایی اش او را به مدرسه خیریه القلعة (قلعه ی صلاح الدین ایوبی در قاهره) فرستاد تا خواندن و نوشتن و حساب را بیاموزد پس به مدرسه ی ابتدایی و سپس به مدرسه ی مبتدیان و بعد از آن به مدرسه ی خدیویه رفت (نوفل^۱، ۱۹۹۷). او به درس های مربوط به زبان و به خصوص شعر علاقه ی زیادی نشان داد، او وقت بسیاری را صرف حفظ کردن دیوان های شعراء عرب در کتاب فروشی ها می کرد. او به مدرسه توجه زیادی نداشت و به همین دلیل بود تا دایی اش بر وی سخت بگیرد اما چون از اصلاح او ناامید شد، نسبت به او بی توجهی نشان داد. شاید حافظ از این عمل خوشحال شده باشد چون فرصتی برایش فراهم گشت تا بتواند به مطالعه ی کتابهای ادبی و دیوان های شعری مورد علاقه اش بپردازد و با دوستانش که با او هم نظر و هم سلیقه بودند نشست و برخاست نمایند. بنابراین، دو بیت ذیل را برای دایی اش نوشت و او را ترک کرد.

تَقَلَّتْ عَلَيْكَ مَوْنَتِي إِنِّي أَرَاهَا وَاهِيَةً
فَأَفْرَحَ فَإِنِّي ذَاهِبٌ مُتَوَجِّهٌ فِي دَاهِيَةٍ
(حافظ، ۲۰۰۱)

ترجمه: تاملین زندگیم بر شما سخت شده است و من چنین امری را بر خود مایه ی ذلت می بینم پس شادباش که من دیگر با شما نمی مانم و جایی دیگری می روم - این بیت ها، هر چند اشعاری ساده در سنین نوجوانی بود اما در برگزیده ی احساسی زود رنج در جان حافظ است ولی ایشان در مقابل سختی ها و جفای روزگار مقاومت نمود و با علاقه و جدیت راه تحصیل خود را ادامه داد و در رشته ی حقوق وارد دانشگاه الأحمدي شد و چون حافظ ابراهیم حافظه بسار خوبی داشت، امثال و نوادر و اشعار قدیم و جدید بسیاری را از بر کرد و دانشجویان آن دانشگاه به همین خاطر گرد او جمع می شدند و اشعار دلنشین وی را می شنیدند (محمود عبدالله، بی تا).

دیدگاه حافظ ابراهیم در خصوص زن

حافظ ابراهیم به فعالیت زنان در جامعه تأکید می کند. در صورتی که آن فعالیتها در شأن و توان زن باشد و نه بیشتر، زیرا ساختار بدن زن با ساختار بدن مرد تفاوت دارد و از قدرت کمتری برخوردار است. پس واجب است، به کاری بپردازد که متناسب فیزیولوژی بدن او باشد در غیر این صورت در پی آن دچار آسیب هایی می شود حافظ ابراهیم، در این باره، دعوت به اعتدال می کند و سفارش می کند که به زنان سخت گیری نشود و چنین می گوید زنان شما، مثل جواهرات نیستند که از ترس گم شدن آنها را در گنجینه پنهان کنید.

كَلَّا وَلَا أَدْعُو إِلَيَّ أَنْ تُسْرِفُوا فِي الْحَجَبِ وَ التَّضْيِيقِ وَ الْإِرْهَاقِ
لَيْسَتْ نِسَاؤُكُمْ حُلًى وَ جَوَاهِرًا خَوْفَ الضِّيَاعِ تُصَانُ فِي الْإِحْقَاقِ
لَيْسَتْ نِسَاؤُكُمْ أَثَانًا يُقْتَنَى فِي الدُّورِ مَخَادِعِ وَ طِبَاقِ
(حافظ، ۲۰۰۱)

۱. Noffel

ترجمه: هرگز من شما را به زیاده روی در حجاب و سخت گرفتن و ظلم کردن به زن، دعوت نمی کنم. زنان شما، زیور آلات و جواهراتی نیستند که از ترس گم شدن، در گنجینه نگهداری شوند. زنان شما، اسباب و اثاثیه ی منزل نیستند که در پستوها و گنجینه ها پنهان شوند. حافظ ابراهیم در مورد این که زنان نباید کارهای مخصوص به مردان را انجام دهند و از اعمال خود باز مانند، چنین می گوید:

يَعْلَنَ أَفْعَالُ الرَّجَالِ لَوَاهِيَا
عَنْ وَاجِبَاتِ نَوَاعِسِ الْأَحْدَاقِ
(حافظ، ۲۰۰۱)

ترجمه: کارهای مردان را انجام می دهند و از مسئولیتها و امور مربوط به خود باز می مانند. حافظ ابراهیم، معتقد است که زنان و مردان، هر یک وظایف خاص خود را دارند که این وظایف، بر اساس توانایی های آن ها تقسیم شده است. و اسلام مخالف حبس شدن زن در خانه است. و آزادی، از جمله حقوقی است که خداوند آن را برای تمام انسانها قرار داده است و در این زمینه، تفاوتی بین زن و مرد قائل نشده است البته زن را امر نمود که خود را از نامحرمان پوشاند تا با پوشش خود، آزادی بیشتری پیدا نماید و همین مسأله ی حجاب، تأییدی است بر عدم مخالفت اسلام با آزادی زن شمرده می شود. در زمان سلطه ی عثمانیان، زنان در جامعه از جایگاه خوبی، برخوردار نبودند و چون کالایی خریداری می شدند و هیچ اختیاری در خانه ی پدر یا همسر خود نداشتند. آنان همچون زندانیان در خانه بودند. زنان مانند بردگانی محکوم به زندگی در تاریکی و جهل و بندگی و آداب و رسوم کهنه بودند. بعد از حمله ی فرانسه به مصر و برخورد عرب ها با اروپاییان، چنان که بیشتر ذکر آن گذشت، زنان به تدریج آزادی خود را بازپس گرفتند. آزادی زن، از دیگر مسائل مهم اجتماعی است که شاعران و به ویژه، حافظ ابراهیم، درباره ی آن اشعاری بسیار سرودند. از زمانی که قاسم امین، کتاب "تحریر المرأة"، خود را نوشت و آراء موافق و مخالف بسیاری پدیدار شد، حافظ ابراهیم نیز فقط نظریات افراد منتقد یا موافق را از طریق روزنامه ها، پیگیری می کرد. حافظ نیز در این میان، اعتدال را برگزید و جانب هیچ کدام از موافقان یا مخالفان این قضیه را نگرفت. زیرا به خوبی می دانست که اعتدال در این زمینه او را از خشم هر یک از دو طرف در امان می دارد. با این حال او در قصیده اش، خطاب به قاسم امین می گوید:

إِنْ رَأَيْتَ رَأْيًا فِي الْحِجَابِ وَ لَمْ
الْحُكْمُ لَلْأَيَّامِ مَرْجِعُهُ
تُعْصِمُ فَتْلَكَ مَرَاتِبُ الرُّسُلِ
فِي مَا رَأَيْتَ فَنَمَ وَ لَا تَسْلُ
(حافظ، ۲۰۰۱)

در ابیات فوق و ابیات بعد از آن، که پیشتر آمده، مشاهده می شود که حافظ ابراهیم، قاسم امین را معصوم و به دور از خطا و اشتباه وصف نکرده است. او درباره ی نظریات قاسم، چنین گفته که احتمال صحت و درستی آن ها وجود دارد. همان طور که احتمال اشتباه بودن آنها هم وجود دارد. بنابراین، این گونه خود را از هر گونه قضاوت یا طرفداری کردن، مصون داشته است. و جانب احتیاط پیشه نموده. بعد از گذشت دو سال از سرودن این ابیات، حافظ ابراهیم به صورت علنی نظریاتی را بیان می کند که به نوعی مؤید آراء

قاسم امین است. البته حافظ ابراهیم، باز هم به گونه ای این ابیات را بیان می کند که مخالفت مخالفان را برانگیخته نکند (عبدالله السعید، بی تا). مثلاً او در اشعارش مردم را به تعلیم و تربیت زن دعوت می کند و می گوید که این امر برای اداره ی امور منزل و تربیت و پرورش صحیح فرزندان، مفید است. این در حالی است که او بی حجاب رها کردن زن در میان مردان را نمی پذیرد. حافظ همچنین، رها کردن زن بدون هیچ قید و بند و بدون هیچ مراقبتی را نیز نمی پذیرد.

الأمُّ رَوْضٌ إِنْ تَعَهَّدَهُ الْحَيَا
أَنَا لَا أَقُولُ دَعْوَا النِّسَاءِ سَوَافِرًا
بِالرَّيِّ أَوْ رَقِّ أَيْمَاءِ إِيرَاقٍ
بَيْنَ الرَّجَالِ يُجَلْنَ فِي الْأَسْوَاقِ
يُحَذِرْنَ رِقَبَتَهُ وَلَا مِنْ وَاقٍ
(حافظ، ۲۰۰۱)

ترجمه: مادر همچون باغی است که اگر باران بر آن بیارد و آن را سیراب کند، قطعاً برگ خواهد داد. من نمی گویم که زنان را رها کنید تا بی حجاب در بین مردان و در بازارها، بگردند. که هر کجا می خواهند آزادانه بروند، بدون این که مراقبی داشته باشند تا از آنها مراقبت نماید. همان طور که ملاحظه شد، حافظ ابراهیم در این ابیات، با احتیاط فراوانی سخن می گوید. او از طرفی دعوت به آزادی زن می نماید و از سوی دیگر، تأکید می کند که این آزادی باید محدودی داشته باشد و آزادی بدون قید و بند نباشد. شاید احتیاط او از این رو است که قصیده اش را در مراسمی که در یکی از مدارس دخترانه در "پور سعید" برگزار شده بود، خواند و با احتیاط سخن گفت، چون می ترسید که طرفداران حقوق زن و به ویژه خود زنان، چنین بپندارند که وی، اعتقاد به خارج نشدن از منزل و حبس شدن او دارد چون او در ابیات دیگر این قصیده با تأکید بسیاری، بر هدف خویش پافشاری می کند (عبدالله، بی تا). حافظ ابراهیم در پایان این قصیده مردم را به تعادل دعوت می کند و می گوید: در این امر میانه رو باشید که افراط و تفریط در آزادی دادن به زنان، موجب بدست آمدن نتایج ناخوشایندی است.

فَتَوَسَّطُوا فِي الْحَالَتَيْنِ وَ أَنْصَفُوا
فَالشَّرُّ فِي التَّقْيِيدِ وَالْإِطْلَاقِ
(حافظ، ۲۰۰۱)

ترجمه: در این دو حالت، اعتدال را رعایت کنید و انصاف داشته باشید زیرا شرّ در رها کردن و در بند کردن است. علامه طباطبایی در مورد آزادی زن چنین می گوید: دین اسلام در راه آزادی زن از قیود اسارت و بخشیدن استقلال و آزادی اراده و کار، بر غربی ها پیشی گرفته است. هنگامی که غربی ها بعد از سالهای سعی و تلاش، به مسئله ی برابری کامل میان زن و مرد در تمامی حقوق، رسیدند (طباطبایی، ترجمه موسوی همدانی؛ ۱۳۶۱).

تأثیر زن بر مردان از دیدگاه حافظ ابراهیم

حافظ ابراهیم، تنها راه حمایت از زن را در این می دید که مردم را به تعلیم و تربیت زن، دعوت نماید و

فعالیت‌های زن را در زمینه‌های خاصی از فعالیت‌های اجتماعی مانند: مراقبت از کودکان و یتیمان و پرستاری هدایت کند. زیرا آن‌ها در این زمینه‌ها، نمونه‌های والایی برای مردان هستند (ابوعشمة، ۱۹۸۷). حافظ تأثیر شدید زن، در جان و روح مرد را به تصویر می‌کشد و انگیزه‌های عالی فعالیت‌های زن را بیان می‌کند. او هم چنین اخلاق و رفتار زنان را تحسین می‌نماید:

و دُمْتُنَّ قُدْوَةٌ لِلرِّجَالِ	أَي ذَوَاتِ الْحِجَالِ عَشْتُنَّ لِلْبِرِّ
كُنَّ أَوْ يَسْلُكُوا سَبِيلَ الْمَعَالِي	لَمْ يَكُونُوا لِيَدْرِ كَوَالِ الْمَجْدِ لَوْلَا
و تُعْمِدُ الْبَخِيلَ أَكْرَمَ نَالٍ	بَسْمَةً تَجْعَلُ الْجِبَانَ شَجَاعًا

(حافظ، ۲۰۰۱)

ترجمه: ای بانوان! شما برای نیکوکاری زندگی می‌کنید و پیوسته الگویی برای مردان هستید. اگر شما نبودید، مردان هرگز نمی‌توانستند به بزرگی‌ها دست یابند و یا این‌که راه رسیدن به بزرگی را طی کنند. لبخندی که ترسو را شجاع و خسیس را دوباره بخشنده می‌کند. شاعر در وصف میزان این تأثیر، هیچ‌گونه مبالغه‌ای نمی‌کند. او زنان را الگویی عالی برای مردان معرفی می‌کند و به این حقیقت ارزشمند و مهم اشاره می‌کند که: «از دامن زن است که مرد به معراج می‌رود.» حافظ ابراهیم به سخن گفتن درباره‌ی برتری زنان در زمینه‌ی خدمات اجتماعی و قدرت تأثیر زن در جان و روح مرد بسنده نمی‌کند بلکه از شجاعت آنها در دفاع و حمایت از مسائل مربوط به وطن، سخن می‌گوید. در قصیده‌ای که به نام "تحیة المرأة الجديدة" سروده است به بیان این مسئله می‌پردازد.

صَنَعْتُنَّ مَا يُعْبَى الرِّجَالُ صَنِيعُهُ	فَزِدْتُنَّ فِي الْخَيْرَاتِ وَ الْبَرَكَاتِ
يَقُولُونَ نَصْفُ النَّاسِ فِي الشَّرْقِ عَاطِلٌ	نِسَاءً قَصِيْنُ الْعُمَرِ فِي الْحُجْرَاتِ
وَ هَذِي بَنَاتُ النَّيْلِ يَعْمَلْنَ لِلنُّهْيِ	وَ يَغْرَسْنَ عَرَسًا دَانِي الثَّمَرَاتِ
وَ فِي السَّنَةِ السَّوْدَاءِ كَتَنَّا قُدْوَةٌ	لَنَا حِينَ سَالَ الْمَوْتُ بِالْمُهْجَاتِ
وَ قَفَّتْ فِي وَجْهِ الْخَمِيْسِ مُدَجَّجًا	وَ كُنْتُنَّ بِالْإِيْمَانِ مُعْتَصِمَاتِ
وَ مَا هَالَكَنَّ الرُّمَحَ وَ السِّفْ مُصَلَّتَا	وَ لَا الْمَدْفَعُ الرَّشَّاشُ فِي الطَّرَقَاتِ
تَعَلَّمَ مِنْكُنَّ الرِّجَالُ فَاصْبَحُوا	عَلَى غَمَرَاتِ الْمَوْتِ أَهْلُ ثَبَاتِ

(حافظ، ۲۰۰۱)

ترجمه: شما چیزهایی ساختید (کارهایی را انجام دادید) که مردان از انجام آن بازمانده بودند پس بر خیرات و برکات افزودید. می‌گویند نصف مردم در مشرق زمین بی‌کارند، زنانی که تمام عمر خود را در خانه‌ها سپری کرده‌اند. و این دختران مصر هستند که برای تکامل عقل و خرد تلاش می‌کنند و قطعاً چیزی را (درختی را) می‌کارند که خیلی زود میوه می‌دهد. شما در سالهای سیاه، برای ما الگو بودید، زمانی که مرگ بر دلها حاکم بود. شما در برابر دشمن سراپا مقاوم ایستادید و به ریسمان ایمان متوسل شدید. نیزه و شمشیر کشیده شده از غلاف (نیام) و تیر بار در مقابل هدفان کارساز نشد. مردان ایستادگی را

از شما آموختند و در گرداب های مرگ و هلاکت ثابت قدم و استوار ماندند. حافظ قدرت و تأثیر گذاری زنان را از مردان بیشتر می داند. او در این قصیده سخن بیهوده ی آنان را که می گویند نصف مردم مشرق زمین، زنانی هستند که عمر خود را در خانه هایشان بیهوده تلف می کنند، را رد می کند و با یاد آور شدن فعالیت زنان در انقلاب ملی مصر در سال ۱۹۱۹ و مبارزات سیاسی آنان، چنین ادعایی را لغو می داند. شاعر، ایستادگی زنان را الگویی برای مردان می داند. او در قصیده ی دیگری به نام "مظهرات السیدات" به فعالیتهای سیاسی زنان و آمادگی آنان برای جانفشانی در راه وطنشان، سخن می گوید. حافظ ابراهیم در خصوص عشق به پیشرفت کشورش آرزومی کند که شاهد روزی باشد که سرزمین مصر در سایه لطف و عنایت الهی، مهد پرورش قهرمانانی شود که با برجستگی های علمی و فنی به رقابت با کشورهای اروپایی برخیزند (فلاحی، ۱۳۸۴).

سیمای زن در شعر حافظ ابراهیم

حافظ ابراهیم، یکی از شاعران و ادبای برجسته و مشهور عصر نهضت است که در شعرش، تا حدود زیادی به موضوعات تازه و نوین پرداخته است، هر چند که او نیز همچون سایر شعرای زمانش، از لحاظ قالب شعری، هم چنان پایبند شعر قدیم بوده است اما شعر او سرشار از جلوه های اجتماعی است (حجازی، ۱۹۸۶). یکی از موضوعات اجتماعی بسیار مهمی که حافظ در دیوانش بدان پرداخته موضوع «زن» است. شاید بتوان گفت: بعد از برخورد جوامع عربی و روشنفکران و طبقات اندیشمند جوامع عربی با اروپاییان، موضوع زن، اهمیت خاصی پیدا کرد. اندیشمندان عربی، پس از سفر به کشورهای اروپایی و مشاهده پیشرفت مردم آن کشورها از نزدیک و همچنین مشاهده ی حضور فعال و مؤثر زنان در جوامع اروپایی، به این نتیجه رسیدند که یکی از مهمترین عوامل عقب ماندگی کشورهایشان، عدم توجه به زن و رشد و پیشرفت او است.

از این پس ادباء و طبقه ی فرهیخته ی جامعه ی عربی، تلاش نمودند تا برای رشد و پیشرفت زن، با هدف رشد کشورشان، اقدامی نمایند از این رو شعراء از قلم و استعداد ادبی خویش در راستای رسیدن به این مهم، استفاده کردند (صبری، ۱۳۴۴.ق).

در این میان، حافظ ابراهیم نیز، از این موضوع، غافل نبوده است و برای این موضوع اهمیت بسیاری قائل است. زیرا او شاعری است که به مسائل مختلف اجتماعی بسیار توجه دارد و مسأله ی زن نیز یکی از مهمترین مسائل اجتماعی است. حافظ این مسئله را از جوانب مختلفی مورد بررسی قرار داده و آراء خود را بیان نموده است.

تعلیم و تربیت زن در شعر حافظ ابراهیم

اسلام، مخالف تحصیل علم و دانش زن نیست. دین اسلام، تحصیل علم و دانش را بر هر مرد و زنی واجب کرده است. مؤید این سخن، اکثر آیات قرآن کریم است که مردم و به خصوص، اهل ایمان را به تفکر و تدبّر دعوت می کند اسلام، هیچ گاه نمی خواهد که زن بیکار بنشیند و وجودی باطل داشته باشد و باید توجه داشت که پوشاندن بدن زن از دید نامحرم، مانع فعالیت های اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی زنان نمی شود. آن چه سبب فلج شدن این نیرو است، آلوده کردن محیط کار به لذت جویی های شهوانی

است از نظر اسلام، زن و مرد در امر تعلیم و تربیت یکسان هستند و هر انسانی می بایست از استعدادها و موهبت‌هایی که خداوند بر او ارزانی داشته، بهره مند شود. در عصر معاصر، صرف نظر از خسارات که حمله ی فرانسه به مصر، در پی داشت، این حمله دستاوردهایی نیز برای مصریان به دنبال آورد. مثلاً این که به مسئله ی تعلیم و تربیت زن توجه بسیاری شد، که مصری ها در امر خود را مدیون اروپاییان می دانند؛ زیرا آن ها، از نزدیک با اروپاییان برخورد کردند و پیشرفتهای آنان را مشاهده کردند. در پی آن، ادبا، و شعرای بسیاری به موضوع زن پرداختند. زیرا شاعران در هر جامعه ای، وظایفی بر عهده دارند. آنان می بایست برای پیشرفت کشورشان با سلاح شعر و ادب، کاری می کردند و مردم را نسبت به عقب ماندگی کشورشان و دلایل پیشرفت اروپاییان، آگاه نمودند. تا قبل از عصر نهضت و دوره های معاصر، نگاه شاعران عرب، نسبت به زن، شکل دیگری بود. به این صورت که زن در دیوان شعر عربی، یا نقش معشوقه را داشت یا این که مادر یا شخصیت دیگری بود که در رثای او و یا در مدح او، اشعاری می سرودند یا آنها را هجو می کردند. بسیاری از شعراء هم غزل های اباحی (غزل مکشوف یا فاحش) داشتند که در آن، به وصف جسمانی زن می پرداختند. اما در دوره ی معاصر، نگاه شعراء به زن، شکلی انسانی به خود گرفت. البته، زن در این دوره، هم چنان، جایگاه قبلی خود را در شعر عربی حفظ کرده بود. اما بسیاری از شعراء، افزون بر آن نگاه سابق، نسبت به زن، احساس مسئولیت می کردند و سعی داشتند تا مردم را متوجه نقش مهم و برجسته ی زن در جامعه کنند. حافظ ابراهیم نیز، چنان که گفته شد به مسأله ی تعلیم و تربیت زن توجه ویژه ای دارد. وی در قصیده "تربیه البنات" همانطور که از عنوان آن پیداست، به این امر مهم پرداخته است (امین، ۲۰۰۱).

او علت عقب افتادگی و واماندگی جوامع شرقی را، عدم توجه به تربیت زنان می داند و می گوید که مادر همچون مدرسه ای است که فرزندان اصیل و شریف، تربیت می کند. بنابراین چنین می سراید:

مَنْ لِي بِتَرْبِيَةِ النِّسَاءِ فَإِنَّهَا	فِي الشَّرْقِ عَلَتْ ذَلِكَ الْإِخْفَاقُ
الْأُمُّ مَدْرَسَةٌ إِذَا أَعَدَدَتْهَا	أَعَدَدَتْ شَعْبًا طَيِّبَ الْأَعْرَاقِ
الْأُمُّ إِسْتَاذُ الْأَسَاتِذَةِ الْأَلَى	شَغَلَتْ مَا تَرَاهُمْ مَدَى الْأَفَاقِ
	(حافظ، ۲۰۰۱)

ترجمه: چه کس تربیت زنان را بر عهده می گیرد؟ که این مسئله در شرق، باعث عقب ماندگی و ناامیدی است. مادر همچون مدرسه ای است که اگر او را آماده کنی، گویا ملتی با اصل و نسب و اصیل را، آماده کرده ای. مادر، استاد استادان پیشین است، آنان که افعال نیکو و پسندیده شان سراسر آفاق را در بر گرفته است. همچنان که از این اشعار بر می آید، مسئله ی تعلیم و تربیت از مهمترین ارکان تکامل و پیشرفت هر فردی است پس اگر هر فردی با روشی صحیح و درست تربیت شود خواهد توانست که به سوی راه راست هدایت گردد و از انحرافات و کجروی ها در امان ماند. این مسئله ارتباطی به جنسیت افراد ندارد و همه انسان ها چه مرد و چه زن، واجب است که از این موهبت الهی بهره برند. اما متأسفانه بعضی از مردم به این تربیت نمی اندیشند، در حالی مسئله ی تعلیم و تربیت مرد و زن به تارهای عرضی و طولی در یک پارچه می ماند که اگر یکی از آن ها باز شود، تمام پارچه می شکافد. تعلیم و تربیت زن، از لحاظ اجتماعی نیز

مؤثر و مفید است؛ چون زنان در هر جامعه ای حداقل نصف جمعیت آن جامعه را تشکیل می دهند، بنابراین باقی ماندن آنان در جهل، مساوی است با محرومیت نیمی از افراد جامعه از پیشرفت و کمال، که این مسئله موجب می شود ضرری جبران ناپذیر به پیکره ی جامعه وارد آید و عدم تربیت و آموزش زنان، شکست و تباهی و عقب ماندگی یک جامعه را به دنبال دارد. زیرا یک مادر جاهل چگونه ممکن است باعث پرورش نسلی عالم گردد بدیهی است که چیزی جز سستی در تربیت زن و جهل او، او را از مشغول شدن به علوم و آداب و هنرهای زیبا و تجارت و صنعت باز نمی دارد و یکی از عوامل ضعف در هر جامعه ای این است که تعداد بسیاری از افراد آن سربار جامعه باشند و کاری نکنند (ابوعشمة، ۱۹۸۷).

حافظ ابراهیم، در یکی از قصاید خویش به نام "جمعیة الطفلف" خطاب به زنان می گوید: مردان بزرگ، در دامن شما، پرورش یافته اند و باز خطاب به زنان می گوید: که شما (مادران) به ما جوانمردی و مهربانی را آموخته اید:

<p>و دُمْتَنَّ قُدُوَّةً لِلرِّجَالِ كُنُّ أَوْ يَسْلُكُوا سَبِيلَ الْمَعَالِي و تُعِيدُ الْبَخِيلُ أَكْرَمَ نَالٍ فِي رِضَا كُنَّ أَرْخَطُوا كُلَّ غَالِي فَ عَلَى الْبَائِسِينَ وَالسُّؤَالَ لِ شَرِيداً فَرِيَسَةً الْمُغْتَالَ (حافظ، ۲۰۰۱)</p>	<p>أَي ذَوَاتِ الْحِجَالِ عَشْتَنَّ لِلْبِرِّ لَمْ يَكُونُوا لِيَدْرِ كَوَا الْمَجْدَ لَوْلَا بَسْمَةٌ تَجْعَلُ الْجَبَانَ شُجَاعاً وَعِظَامُ الرِّجَالِ مِنْ كُلِّ جِنْسٍ ... قَمْنٌ عَلِمْنَا الْمُرُوءَةَ وَالْعَطْفَ قَمْنٌ عَلِمْنَا الْحَنَانَ عَلَى الطِّفْلِ</p>
---	--

- ای بانوان، شما برای نیکو کاری زندگی کردید و همواره الگوی مردان هستید. اگر شما نبودید، آنان (مردان) نمی توانستند به بزرگی ها دست یابند یا راه رسیدن به بزرگی ها را طی کنند. لبخندی که انسان ترسو را شجاع و انسان خسیس را بسیار بخشنده می کند و مردان بزرگ از هر جنسی برای رضایت شما، هر چیز گران و ارزشمندی را ارزان دادند. بر خیزید و به ما جوانمردی و مهربانی نسبت به بیچارگان را یاد دهید. بر خیزید و به ما مهربانی به کودکانی آواره را که شکار غولهاست، آموزش دهید.

حافظ، نگاهی با حکمت و بصیرت به زن دارد. او به این اصل مهم توجه دارد که مادر، مؤثرترین عامل در تربیت انسان است. صرف نظر از مسأله ی تعلیم و تربیت و تأثیرپذیری کودک از مادر؛ باید گفت که اگر مادر از لحاظ اخلاقی، انسانی کامل باشد، مسلماً آن چه تربیت می کند نیز، انسانی کامل و بزرگوار خواهد بود و حافظ، این امر مهم را به خوبی درک کرده است (حاوی، ۱۹۷۰).

حجاب و عفاف زن در شعر حافظ ابراهیم

در اوایل عصر نهضت، چنان که اشاره شد، برخی از اندیشمندان عرب، به تعلیم و تربیت زن و برخی دیگر نیز، به آزادی و اشتغال او توجه داشتند، در این میان برخی از آنان، بعد از مقایسه ی ظاهر زن مسلمان عرب، با ظاهر زن غربی، به فکر برداشتن حجاب زن عرب افتادند و نظریه های گوناگونی در این باره از خود ارائه دادند. در دوران معاصر، تهاجم غربی ها علیه دنیای اسلام، به ویژه، از مصر شروع شد. که نخست

از سوی فرانسه و سپس انگلیس، با حضور نظامی گسترده در این کشور، به وقوع پیوست. در کنار حضور نظامی، امری که اشغالگری آنان را آسان تر می کرد، ایدئولوژی استعمارگران برای توجیه حضور خود و تغییر افکار عمومی، به منظور پذیرش آن ها بود. مبلغان مسیحی، در کنار مراکز علمی و فرهنگی جدید که از سوی غربیان تأسیس شده بود، حامل ایدئولوژی تغییر بوده اند و متأسفانه، تا حد زیادی نیز به اهداف خود رسیدند. یکی از مسائلی که در این دوران، مورد تهاجم غربی ها قرار گرفت، حجاب بود. حافظ ابراهیم در رابطه با حجاب زن چنین می سراید:

أَنَا لَا أَقُولُ دَعُوا النِّسَاءَ سَوَافِرًا بَيْنَ الرَّجَالِ يَجُلْنَ فِي الْأَسْوَاقِ
كَلًّا وَلَا أَدْعُوكُمْ أَنْ تُسْرِفُوا فِي الْحَجَبِ وَالتَّضْيِيقِ وَالْإِرْهَاقِ
(حافظ، ۲۰۰۱)

ترجمه: من نمی گویم زنان را بی حجاب رها کنید تا میان مردان، در بازارها بگرداند. نه هرگز و من شما را دعوت نمی کنم به این که، در حجاب (پوشش) و در تنگنا قرار دادن و در سختگیری بر زنان، زیاده روی کنید. نظریات حافظ شبیه به آراء علمائی است که بی حجابی را رد می کنند و در مقابل، حجاب درست و صحیح را تأیید می نمایند او موافق حبس شدن و زندانی شدن زن نیست و افراط و تفریط در مسأله ی حجاب را هم نمی پذیرد و اعتقاد دارد، اعتدال در این باره، بهترین راه و روش است. و در این مورد نیز احکام و آراء شریعت اسلام تأثیر پذیرفته است.

نقش زنان در عرصه سیاست از نظر حافظ ابراهیم

حافظ ابراهیم انقلاب ۱۹۱۹ را در قصیده ای که آن را درباره ی اولین تظاهرات زنان در روز ۱۶ مارس ۱۹۱۹ بر علیه انگلیس ها و آن چه که بر سر تظاهرکنندگان آوردند از قبیل کشتار و نابودی، سرود و در آن قصیده توصیف می نماید که آن ها چگونه برای اعتراض نسبت به اوضاع موجود، تظاهرات کردند و به حرکت خود ادامه دادند در حالی که در دستانشان شاخه های گلی وجود داشت که نماد و نشان صلح و دوستی بود و اعلامیه هایی که می خواستند به سفیران کشور های خارجی بدهند. حافظ ابراهیم احساسات و قهرمانی هایشان را در اوج عظمت به تصویر کشانده است. او توصیف می کند که چگونه ارتش و مردان نیرومند سراپا مسلح به آنان هجوم آورده و جمعشان را پراکنده کردند و سپس به شدت، کار سربازان انگلیسی را مورد حمله قرار دادند (الرافعی، ۱۹۳۲).

خَرَجَ الْغَوَانُ يَحْتَجِبُ مِنْ وَرَحْتِ أَرْقُبِ جَمْعُهُنَّ
فَإِذَا بَهَنَّ تَخْذِنَ مِنْ سُودِ الثِّيَابِ شِعَارَ هُنَّ
فَطَلَعْنَ مِثْلَ كَوَاكِبِ يَسْطَعْنَ فِي وَسَطِ الدُّجَى
وَ أَخَذْنَ يَجْتَرْنَ الطَّرِيبَ قَى وَدَارُ (سَاعِد) قَصْدُ هُنَّ
(حافظ، ۲۰۰۱)

ترجمه: زنان زیبارو اعتراض کنان خارج شدند و من رفتم تا آن ها را ببینم. من دیدم که زنان لباس های سیاه پوشیده اند و پوشیدن لباس سیاه شعارشان بود. پس مانند ستارگانی که در وسط تاریکی می درخشند،

آشکار شدند. آن‌ها شروع به گذراندن مسیر نمودند و واقعتاً مصر، یک مثال زنده در اختیار حافظ ابراهیم قرار می‌دهد. او ایستادگی زنان در برابر سربازان اشغال‌گر را به تصویر می‌کشد و با این کار غیرت مردان را تحریک می‌کند و آتشفشان خشم و غضب را شعله‌ور می‌سازد و انگلیسی‌هایی که در سرزمین مصر بودند را مورد هدف قرار می‌دهند (الانصاری، ۱۹۹۷). حافظ ابراهیم در اشعار یاد شده بالا در وصف زنان با نگاهی ناباورانه به جمع زنان می‌نگرد؛ از طرفی طبع زن لطیف است و از طرفی دیگر؛ حماسه‌ای که می‌آفریند. به همین خاطر آنها را الغوانی می‌نامد این لفظ باغزلسرابی و محفل عشق بازی مناسبت دارد و بین این لفظ و چهره فعلی زنان مصری، تفاوت بسیار است به عبارتی نوعی صنعت زبانشناسی، به نام پارادوکس است (حسنوند، ۱۳۹۱).

چنین به نظر می‌رسد که حافظ ابراهیم، می‌خواهد به افرادی که مخالف آزادی زن هستند بگوید که زنان اراده‌ای والا و همتی راستین دارند و مردان از این چنین اراده و همتی برخوردار نیستند. بنابراین شایسته نیست که مردان آزادی و فعالیت زنان را محدود نمایند، چرا که در این صورت، جامعه از تلاش‌ها و خدمات زنان بی‌بهره خواهد ماند.

بحث و نتیجه‌گیری

حافظ ابراهیم معتقد است که جامعه اسلامی به پیشرفت نمی‌رسد مگر اینکه به عنصر تعلیم و تربیت زنان و دختران با جدیت پردازد زیرا ایشان اعتقاد دارند که دلیل عقب ماندگی جوامع شرقی؛ ناشی از جهل و نادانی نسبت به زنان است. از نظر او پایه تربیت انسانها به وسیله زنان صورت می‌گیرد. او مردم را دعوت می‌کند که آزادی را که حق زنان است به آنان بازگردانند و معتقد است که زنان قدرت تاثیرگذاری بیشتری نسبت به مردان دارند. حافظ ابراهیم موافق فعالیت اجتماعی زنان در کلیه زمینه‌هاست اما فعالیت آنان را در زمینه‌های خاصی مانند مراقبت از کودکان و بیماران مفیدتر می‌یابد. با فعالیت سیاسی و اجتماعی و.. زنان نظری موافق دارند و در حقیقت مخالف حبس کردن زنان در خانه‌هایشان نیست و می‌گوید: زنان و مردان هر یک وظایف خاص خود را دارا هستند که بر اساس توانای‌های آنها تقسیم شده است حافظ ابراهیم در این امر طرفدار تعادل و میانه‌روی است و آزادی زن را در محدوده‌ی عقل می‌داند و مخالف آزادی بی‌قید و شرط زنان است و در امر آزادی زنان مبالغه نمی‌نماید زیرا این امر نتیجه‌ی تعلیم و تربیت زنان را از بین می‌برد و مادران را به مدرسه‌ای تشبیه می‌نماید که هر چه به امکانات مدرسه توجه بیشتری شود دانش‌آموزانی با دانش و اخلاق تربیت می‌نماید. از نظر حافظ ابراهیم حجاب و حدود الهی را مکملی برای زنان جهت تربیت فرزندانی نیکوکار و با فرهنگ می‌داند.

منابع

- قرآن کریم
- نهج البلاغه
- ابراهیم، حافظ. (۲۰۰۱). دیوان، شرح الشیخ غرید، لبنان: موسسه الأعلمی للمطبوعات.
- ابو عشمه، عادل. (۱۹۸۷). قضا یا المراه فی الشعر العربی الحدیث، بیروت: دار الجیل.
- الانصاری، ناصر. (۱۹۹۷). المجمل فی تاریخ مصر، قاهره: دار الشروق.
- الرافی، عبدالرحمن. (۱۹۳۲). تاریخ الحر که القومیه، بیروت: دار العلم للملایین.

- أمین، أحمد. (۲۰۰۱). مقدمه دیوان افظ ابراهیم، ط ۱، لبنان: دارالعلم للملایین.
- حاوی، ایلیا. (۱۹۷۰). اعلام الشعر العربی الحدیث، الطبعة الاولى، بیروت: منشورات بیروت.
- حجازی، محمد. (۱۹۸۶). نحو دراسه فی جغرافیه مصر: دارالتقاہ للنشر والتوزیع.
- حسونند، صحبت اله. (۱۳۹۱). بررسی بیداری تطبیقی در شعر حافظ ابراهیم، هارون هاشم رشید، شماره ۶، ص ۸.
- سند الجندی، عبد الحمید. (بی تا). حافظ ابراهیم، ط ۴، القاہرہ، دارالمعارف.
- صبری، مصطفی. (۱۳۴۴). قولی فی المرأه، مطلع کتاب، القاہرہ: دارالمعارف.
- طباطبایی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن، ترجمه: سید محمد باقر موسوی همدانی. (۱۳۶۱). تهران: انتشارات محمد.
- فلاحی، کتایون. (۱۳۸۴). علم و فقر در شعر حافظ ابراهیم، مجله دانشکده علوم و ادبیات انسانی دانشگاه سمنان، شماره ۱۰، ص ۱۶۲.
- محمود، عبد الله. (بی تا). سعید حافظ ابراهیم دراسه تحلیلیه لسیرته و شعره، مصر: الإسکندریه.
- نوفل، یوسف. (۱۹۷۷). شاعر الشعب و شاعر النيل، الطبعة الاولى، بیروت: الدار اللبنانیه.



Women's Features in Contemporary Poetry In Egypt

A. Attashi*
M. Morshedi**

Abstract

The purpose of this study was to deliberate the Arab contemporary poetry about women based on Hafez Abraham, the Egypt contemporary poet; his point of view on women's freedom and their role in policy, science and education. The study was designed as narrative and analytic. The result showed that he objected to the unconstrained freedom in his poetries and described the women's freedom in Islamic domains. Also this neoclassic poet believed in the role of women in all areas such as policy, science and education.

Keywords: women's features, poem, contemporary literature, Egypt.

*Assistant professor of Arab language and literature Department, Abadan Branch, Islamic Azad University, Iran.(corresponding author, email: Abdolrezaattashi2014@gmail.com)

**M.A. of Arab language and literature, Arabic teacher of Mahshahr Education Secretary.